

سرگئی اسمیرنوف^۱

اهمیت موضوع انتقال قدرت، تنها منحصر به جمهوری آذربایجان نبوده و شامل آسیای مرکزی نیز می‌گردد. رهبران فعلی بصورت اجتناب ناپذیری، پستهای خود را ترک خواهند نمود که این امر نیز به بحران منجر خواهد گردید. این موضوع، ضعف عمده رژیم‌های آسیای مرکزی است. برای حفظ وضعیت و همچنین خانواده، رهبران مذکور بایستی قدرت خود را یا به یک خویشاوند و یا به یک فرد مورد اعتماد منتقل نمایند. این امر بیان‌کننده منافع حیاتی در انتخابات ریاست جمهوری است چراکه هر سناریو، زندگی سیاسی و اقتصادی در جمهوری آذربایجان، قفقاز جنوبی و منطقه خزر را متاثر خواهد نمود. مقاله زیر، ضمن بررسی اوضاع اجتماعی - اقتصادی جمهوری آذربایجان زمینه انتقال قدرت و موفقیت مخالفین را بررسی می‌نماید.

از زمانی که حیدر علی اف تصمیم گرفت تا کشورش را از بحرانهای سیاسی دور نموده و اوضاع را تثبیت نماید، تاکنون هیچ دستاورد روشن اجتماعی و اقتصادی حاصل نگردیده است. طبق قراردادهای موجود، بدهی خارجی آن کشور تقریباً برابر با ۳/۲ میلیارد دلار است که با احتساب اعتبارات خارجی، بالغ بر ۴/۱ میلیارد دلار می‌گردد. وعده‌های ارائه شده درخصوص تغییر جمهوری آذربایجان به کویتی دیگر ثابت نمود که وعده‌هایی توخالی بوده است. طبق اظهارات بانک توسعه و ترمیم اروپا در سال ۲۰۰۱، تولید ناخالص ملی جمهوری آذربایجان برابر با ۴۴٪ رقم سال ۱۹۹۱ بوده است.^(۱) احتیاط‌آمیزترین ارزیابی کارشناسانه نشان می‌دهد که نسبت اقتصاد سایه و تولید ناخالص ملی رسمی کمتر از ۶۰٪ نمی‌باشد.^(۲)

بررسی سطح بالای فساد، زیاد عجیب بنظر نمی‌رسد. امروزه حتی بزرگترین

۱. سرگئی اسمیرنوف محقق قزاقستانی مسائل قفقاز می‌باشد. این مقاله به نقل از نشریه آسیای مرکزی و قفقاز وابسته به مؤسسه مطالعات صلح سوئد (سال ۲۰۰۴، شماره ۱) توسط آقای رضا نوریان از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

شرکتهای خارجی مجبور هستند رشوه دهند و آن را بعنوان امکانی در بودجه خود لحاظ کنند. به اعتقاد کارشناسان، فساد در تمامی سطوح قدرت وجود دارد.^(۳) (حیدر علی اف نیز علاوه بر پست خود مجبور بود تا «آذر گیت» را که در آستانه فعالیت‌های انتخاباتی بوجود آمده بود به پسر خود تسلیم نماید). جایگاه بین‌المللی مشخص آذربایجان از لحاظ فساد، در میان کشورهای CIS در بالای فهرست قرار دارد و در صحنه جهانی در جایگاه سوم و پس از کشورهای کامرون و آنگولا واقع است. (در سال ۲۰۰۱ جمهوری آذربایجان در جایگاه چهارم قرار داشت).^(۴)

نظام آموزش عمومی بکلی در حال تخریب می‌باشد. قبل از سال ۱۹۹۱، ۹۰٪ مردم از تحصیلات متوسطه و ۳۰٪ از تحصیلات متوسطه خاص و بالاتر برخوردار بودند. امروزه از هر ۳ کودک در سن مدرسه، یک نفر به مدرسه نمی‌رود؛ او مجبور است تا کار کند و به خانواده خود کمک نماید. نظام بهداشتی و استاندارد زندگی در حال نابودی است و اغلب، برق منازل مسکونی، بیمارستان‌ها و مراکز صنعتی قطع می‌باشد.^(۵)

طبق اعلام کمیته دولتی آمار، ۵/۹۷ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند (امروزه خط فقر بین ۸۰ الی ۹۰ دلار است). بانک جهانی برآورد نموده که در سال ۲۰۰۰، متوسط درآمد سرانه ۱/۷ دلار در روز بوده است.^(۶) (درآمد ماهیانه متوسط کارمندان دولتی ۲۵۰ هزار منات یا ۵۰ دلار و متوسط مستمری نیز ۷۳ هزار منات یا ۱۵ دلار می‌باشد). بهای یک قطعه نان یا یک بلیط اتوبوس ۱۰۰۰ منات است و یک پیتزا در رستوران ۱۰ برابر این رقم ارزش دارد.^(۷) بطور کلی استاندارد زندگی در جمهوری آذربایجان کمتر از آلبانی یا فقیرترین کشور اروپایی است. نرخ بیکاری نیز بالاست، تنها یک شاخه یعنی صنعت نفت فعال می‌باشد و بقیه بخاطر سطح رقابت پائین کالاهای خود و یاقفدان بازار، یا در حال تلاش برای بقاء بوده و یا قبلا مرده‌اند. تعداد زیادی از مردم بصورت گروهی در حال مهاجرت می‌باشند. طبق نظر کارشناسان مستقل، بیش از ۱/۵ میلیون از جمعیت کلی ۸ میلیونی جمهوری آذربایجان (سرشماری سال ۱۹۹۹) در سالهای اخیر به روسیه مهاجرت نموده‌اند. بیش از ده سال است که جمهوری آذربایجان با نرخ رشد منفی جمعیت مواجه می‌باشد. به هر حال، طبق آمارهای رسمی سالیانه تنها در حدود ده هزار نفر

کشور را ترک می‌کنند.^(۸) این رقم پائین نمی‌تواند صحیح باشد اما موجب تردید است: در حدود ۵۰۰ هزار ارمنی به‌مراه تقریباً همین تعداد از جوامع قومی دیگر قبلاً کشور را ترک نموده‌اند. در حال حاضر تعداد آذری‌های مقیم مسکو و مناطق حاشیه‌ای آن از ۲۱ هزار نفر در سال ۱۹۸۹ به بیش از ۱/۲ میلیون نفر افزایش پیدا نموده است.^(۹)

کارشناسان روسی اعتقاد دارند که جمعیت به نصف تقلیل یافته و در حال حاضر بیش از ۴ میلیون نفر نمی‌باشد.^(۱۰) متخصصین برجسته در حال ترک کشور بوده و تعداد نخبگان آن جمهوری در حال کاهش می‌باشد. موازنه پرداخت آن کشور در سال ۲۰۰۲ که توسط بانک ملی منتشر گردیده است نشان می‌دهد که اقتصاد کشور (براساس صادرات هیدروکربنها که تقریباً شامل ۹۵٪ کل صادرات می‌شود و بیش از ۷۵٪ درآمدهای بودجه وابسته به فروش نفت بوده) چنانچه جریان دلارهای نفتی قطع شود، ممکن است ورشکسته گردد.^(۱۱)

بررسی تاریخی طوایف آذری

ساختار اجتماعی سیاسی جمهوری آذربایجان بسیار ویژه و خاص می‌باشد: از زمان شوروی، کشور از چند گروه (طایفه) منطقه‌ای تشکیل گردیده است که مؤثرترین آنها گروه‌های نخجوان، باکو و قره‌باغ می‌باشند. طایفه نخجوان زمانی در اواخر دهه ۱۹۶۰ مطرح گردید که یکی از اعضای آن یعنی حیدر علی اف سرلشگر کا.گ.ب، به سمت دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست جمهوری آذربایجان منصوب گردید. در عوض او نیز، پستهای کلیدی را میان نزدیکترین متحدان خود توزیع نمود. این طایفه با فروش گل در سرتاسر شوروی امرار معاش می‌نمودند (محققین بخصوصی برآورد نموده‌اند که در اواسط دهه ۱۹۷۰، سهم این گروه در بازار سودآور مذکور بالغ بر ۸۰٪ بوده است). در سال ۱۹۸۷ میخائیل گورباچف، عبدالرحمن وزیراف را جایگزین علی اف نمود و متحدان وی مجبور شدند تا مناصب خود را ترک کنند. وزیراف که نماینده طایفه قره‌باغ بود نیز به نوبه خود، پس از خونریزی ژانویه ۱۹۹۰ در باکو مجبور به استعفا گردید. جایگزین وی ایاز مطلب اف از باکو بود (که سپس به عنوان اولین رئیس جمهور در

جمهوری آذربایجان مستقل برگزیده گردید).

درگیری‌های این طایفه موجب بروز چند کودتا و خشونت گردید. کودتای تابستان ۱۹۹۳ منجر به روی کار آمدن مجدد علی اف و طایفه وی گردید. امروزه تقریباً تمامی پستهای عالی کشور در اختیار اعضای آن می‌باشد. این گروه صادرات نفت و تجارت فرآورده‌های نفتی، واردات و تجارت مواد غذایی، احداث ساختمان و پمپ بنزین، احداث رستورانها و مغازه‌های بزرگ و همچنین معامله میلیاردها دلار را تحت کنترل خویش دارند.

نظام قدرت که توسط علی اف ایجاد شده است به محض کنار رفتن وی سقوط نخواهد نمود. یک گروه جدید در مصدر قدرت، اعضای طایفه علی اف را سپر بلای خود در برابر مسئولیت‌های وسیع آنان در ناکامی‌های اخیر و مصادره اموال آنان خواهند نمود (در زمان علی اف مخالفین به منابع پولی دسترسی نداشتند) یک شخص جایگزین بصورت اضطراری نیاز بود مطرح شود، که آن در شخصیت الهام علی اف منجلی گردید. نه همه طرفداران پدر آماده شده بودند تا در کنار پسر بایستند و نه هیچکدام از گروه‌های بانفوذ در کردیدورهای قدرت، قادر نبودند یک نامزد از میان خود معرفی نمایند. انتخاب، بقدر کافی گویا بود. پدر به نخبگان سیاسی اعتماد نداشت تا با معرفی یک جایگزین از میان آنان، وی بتواند ضمن حمایت از خانواده (علی اف) در مقابل نارضایتی‌های فزاینده از آنان دفاع نماید. این امر موجب گردید زمانیکه درگیری‌ها بصورت پنهانی در جریان بود، پسر تنها نامزد ساختارهای قدرت باشد.

ناپایداری پنهانی

همانگونه که در اغلب موارد مشاهده می‌شود، در جمهوری آذربایجان منافع گروه‌های شخصی بر منافع عمومی ارجحیت دارد. کناره‌گیری حیدر علی اف از قدرت و سپس مرگ وی موجب تشدید درگیری‌های قومی در زمینه اداره سیاسی و اموال گردید. برخی از احزاب سیاسی (همبستگی مدنی، جبهه خلق و مساوات) در مقابل آن خانواده سکوت اختیار نمودند. هم گروه حاکم و هم مخالفین از حمایت مردمی برخوردار بودند، با این وجود یک اکثریت

مطلق رأی دهندگان (۵۰ الی ۷۰ درصد) به هیچکدام اعتماد نداشتند. در اوت ۲۰۰۱ زمانی که حیدر علی‌اف قصد خود برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۳ را اعلام نمود، مرکز ارزیابی و تحقیقاتی اجتماعی حقوقی در روزنامه ملتین سی^۱ اقدام به نظر سنجی از ۲۸۷ نفر از استفاده‌کنندگان اینترنتی برای یافتن محبوب‌ترین نامزد نمود. نتایج این رأی‌گیری در خصوص ۱۰ نامزد زیر بدین شرح می‌باشد: ایاز مطلب‌اف رئیس حزب همبستگی مدنی و رئیس جمهور سابق که در حال حاضر در مسکو زندگی می‌کند ۲۲/۸ درصد، عیسی قنبر رئیس مساوات و یکی از رؤسای سابق پارلمان ۱۳/۲ درصد، رسول قلی‌اف رئیس حزب دموکراتیک و یکی دیگر از رؤسای سابق پارلمان ۱۱/۷ درصد، زردشت علیزاده ۹/۳ درصد، الهام علی‌اف رئیس حزب آذربایجان نوین ۸ درصد، اعتبار ممداف رئیس حزب استقلال ملی ۵ درصد، نمازاف پژوهشگر سیاسی ۳ درصد، لاله شوکت رئیس حزب لیبرال دموکرات و دبیر دولتی سابق ۱ درصد. در عین حال هیچکس به الیاس اسماعیل‌اف رئیس حزب عدالت و صابر رستم خانلی رئیس حزب همبستگی ملی رأی نداد و همچنین ۲۶ درصد نیز بر علیه تمامی نامزدها رأی دادند. واضح است که مطلب‌اف پیشتر از تمامی رقبا قرار داشت.

امروزه فقدان اتحاد سیاسی، شکاف میان فقیر و غنی را بیشتر نموده و بیکاری موجب ناپایداری وضعیت سیاسی و اجتماعی گردیده است که بالطبع تبعات منفی احتمالی را بدنبال خود خواهد داشت. وضعیت قومی سیاسی خیلی ساده نبوده و موضوع ناگورنا قره‌باغ مطرح می‌باشد. جمهوری خودمختار نخجوان بدنبال استقلال بیشتری است و لرگی‌ها در شمال و تالشهایی که در جنوب به سمت ایران گرایش یافته‌اند موجب نگرانی شده‌اند.^(۱۲) خطر تجزیه کشور همانند سال ۱۹۹۳ و بحران مشابه مربوطه، کاملاً محتمل می‌باشد.

چگونه زمینه‌های انتقال قدرت ایجاد گردید؟

در اثر حاکمیت آمرانه، بخاطر آنکه تمامی رقبای جدی از قبل کنار گذاشته شده بودند

1. Milletin Sesi

(تهدید یا زندانی گردیدند) نتایج انتخابات قابل پیش بینی بود. نتایج دلخواه با همیاری و مساعدت منابع اداری، اقتصادی، مالی و اطلاعاتی بدست آمد. البته تاثیر آنان غالب نبوده است. رژیم علی اف از نگرانی‌های عمده کمتر یا بیشتر رأی دهندگان نسبت به انجام تغییرات در بالا و امکان شورشهای اجتماعی اقتصادی سوء استفاده نمود.

حیدر علی اف در زمان قدرت، منابع کافی را برای انتقال قدرت به پسر خود فراهم نموده بود. برخی کارشناسان اعتقاد دارند که این امر به سال ۱۹۹۹ و زمانی که وی اقدامات خویش را برای انتقال قدرت از طریق یکدست نمودن حوزه سیاسی اتخاذ نمود باز می‌گردد. علی اف در آن زمان سخنرانی‌های خود را درخصوص نقش جوانان و امکان ایفای نقش آنان در سیاست ایراد نمود. در دسامبر ۱۹۹۹، حزب حاکم و جدید جمهوری آذربایجان در دومین کنگره خود (۷ سال است که از موسس خود جدا شده است) الهام علی اف را بعنوان معاون رئیس خود انتخاب نمود. تا آنزمان حیدر علی اف ترجیح می‌داد که بعنوان حق ریاست، منفعت کمتری داشته باشد. در تابستان ۲۰۰۲، رئیس جمهور علی اف ۳۹ اصلاحیه برای قانون اساسی پیشنهاد و فراندومی را در تاریخ ۲۴ اوت برگزار نمود. براساس آمار رسمی، بیش از ۸۸ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت نمودند. در این میان ۹۷ درصد رأی دهندگان، تمامی اصلاحاتی را که در ۱۶ سپتامبر تصویب گردیده بود تائید نمودند، هرچند مخالفین ادعا نمودند که تقلب گسترده‌ای در انتخابات مذکور صورت گرفته است.

در مجموع، روند انتقال قدرت به دقت برنامه‌ریزی و سپس انجام گردید. طبق قانون جدید رئیس کشور می‌تواند با اکثریت ساده ۵۰ درصدی به اضافه یک رأی انتخاب شود (پیشتر این امر نیازمند کسب اکثریت دو سوم رأی دهندگان واجد شرایط بوده است). همچنین برخلاف قانون اساسی سال ۱۹۹۵ که رئیس جمهور در شرایطی که قادر نبود وظایف خود را انجام دهد می‌توانست اختیارات و وظایف خود را تنها به رئیس مجلس تفویض کند، رئیس جمهور قادر گردید که در شرایط مذکور وظایف و اختیارات خود را به نخست وزیر منتقل نماید.

وارث

الهام حیدر اغلی علی اف در سال ۱۹۶۱ در باکو متولد شده است. در سال ۱۹۷۸ پس از خاتمه مدرسه در زادگاه خود، برای تحصیل در انستیتو دولتی روابط بین الملل مسکو به آن شهر سفر نمود و در سال ۱۹۸۲ از انستیتوی مذکور فارغ التحصیل گردید. سپس وی به مدت ۵ سال (از ۱۹۸۵ الی ۱۹۹۰) در محل تحصیل خود به تدریس پرداخت. زمانی که پدرش مورد بی مهری قرار گرفته بود در تمامی ادارات دولتی به روی وی بسته شده بود. بنابراین بسوی تجارت روی آورده و صاحب چند شرکت تجاری و صنعتی گردید. در سال ۱۹۹۲ وی به استانبول رفت و اواخر سال ۱۹۹۳ زمانی که پدرش مجدداً به قدرت رسید به وطن بازگشت. سیاست او را راضی نمی کرد و درحقیقت وی فاقد بسیاری از توانائی‌هایی بود که پدرش را قادر ساخته بود تا بیش از ۳۰ سال بر آن جمهوری حکمرانی کند.

به هر حال، برخی نظرات حاکی از آن است که حیدر علی اف این ایده را طرح نمود که هرگونه نسخه دیگر انتقال قدرت مملو از بلا و بدبختی است. چند سال الهام تحت تعلیم مریبان برای تبدیل شدن به یک مدیر جدی و یک سیاستمدار کاملاً قوی قرار گرفت. وی همچنین در پست معاون شرکت دولتی نفت (۱۹۹۴) و سپس معاون اول حزب حاکم دموکرات نوین (۲۰۰۰) تربیت گردید. در سال ۲۰۰۱، او بعنوان رئیس هیات پارلمانی جمهوری آذربایجان در شورای اروپا منصوب گردید. وی همچنین برای مردم بعنوان سیاستمداری مستقل و شجاع شناخته شد که جرات آن را داشت تا بطور آشکار با نظریات پدر خود مبنی بر عضویت احتمالی کشورش در ناتو مخالفت نماید. در آستانه انتخابات، الهام پست عالی رتبه‌ای را در شرکت نفت دولتی بدست آورد. وی همچنین نخست وزیر و پس از آن معاون حزب حاکم و همچنین رئیس صندوق ویژه نفتی (که تقریباً تمامی درآمدهای حاصل از فروش نفت را در اختیار داشت) و نیز رئیس کمیته المپیک ملی در سال ۱۹۹۷ گردید.

روزنامه بایکسکی رابوچی در این مورد نوشت: افراد برجسته‌ای مانند حیدر و الهام به بالاترین نقطه و ثروتی دست یافته‌اند که هیچگاه فکر آن هم به سر آنان خطور نمی کرد. آنها به اسطوره‌هایی در زندگی خود تبدیل شده‌اند. قدرت، نیرو و زندگی آنان نه تنها جامعه بلکه

طبیعت - ماه و زمین را نیز تحت تاثیر قرار داده است. یکی از آنها پدر و معلم و دیگری پسر و دانش آموز وی می باشد. یکی از آنها هم گذشته و هم حال ما بوده و دیگری حال و آینده ما می باشد. آنها با استعداد خود جهان را تسخیر نموده اند. آنها همچنین اشخاص قدرتمند و شاخصی هستند که جمهوری آذربایجان را از تاریکی به نور هدایت کرده اند. این انسانهای غیر قابل مقایسه با رقبای مطرح دیگر، راههای صعود خود را می پیمایند. (۱۳)

به محض آنکه الهام به نخست وزیری رسید به بهانه نیاز به زمان و توان لازم برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، تاروزی که نتایج رسمی انتخابات ریاست جمهوری منتشر گردید اجازه مرخصی گرفت. در این ارتباط اعلامیه حکومتی حاکی از آن بود که این امر طبق موارد ۶۹.۲ و ۷۰.۱ قانون انتخابات صورت گرفته است که نامزدهای ثبت نام کرده برای انتخابات ریاست جمهوری را از سمتهای دولتی منع می نماید (چگونه دوست داری؟ آنها می توانند منصوب شوند ولیکن نمی توانند وظایف خود را انجام دهند). نتیجه، چیزی عجیب و غریب بود، عُمر رئیس جمهور پایان یافته و در بیمارستان بود و در همانحال نخست وزیر بست خود را ترک کرده بود. زمانی که موعد انتخابات نزدیک می گردید، انتصاب مذکور ثابت نمود که بسیار مهم می باشد. وی همچنین بعنوان رئیس هیات دولت، بر نظام کلی قدرت نظارت می نمود. در حقیقت، وی از ولادیمیر پوتین الگوبرداری نمود که رئیس جمهور موقت (سرپرست ریاست جمهوری) با استفاده از پست خود بتواند از منابع اداری برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ استفاده نماید. رهبران مخالفین به این تحولات، به گونه ای منفی پاسخ دادند. عیسی قنبر رهبر مساوات در مصاحبه با خبرنگار توران، اوضاع را بدین شرح توصیف نمود: در کشورهای عقب مانده نمونه منحصر به فردی است و براساس هیچگونه دموکراسی نمی توان پسر را بعنوان رئیس دولت و نخست وزیر منصوب نمود. علی کریم لی رهبر حزب جبهه مردمی (که بعنوان حزب اصلاحگران شناخته شده است) در مصاحبه با روزنامه آزادلیق این امر را ایجاد یک پادشاهی غیر مستقیم (مونارشی دوفاکتو) در جمهوری آذربایجان نامیده و آن را موجب بی اعتباری کشور نزد جامعه جهانی می داند.

مخالفین

اگرچه رضایت مردمی پایمال شده است، لکن حیدر علی اف هنوز تعدادی احزاب مخالف را در کشورش حفظ نموده است. رهبران برخی از آنان وارد رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری گردیدند. کمیسیون مرکزی انتخابات در تاریخ ۱۵ اوت پایان مرحله ثبت نام را اعلام و امکان رقابت ۱۲ نفر را مجاز اعلام نمود. رؤسای ۹ حزب نیز، اقدامات خود در مقابله با رئیس جمهور و پسرش را آغاز نمودند. علی کریم لی از جبهه مردمی، عیسی قنبر از مساوات، اعتبار ممدوف از حزب استقلال ملی، صابر رستم خانلی از حزب همبستگی مدنی، الیاس اسماعیل اف از عدالت، یونس علی اف از وحدت ملی، ابوطالب صمد اف از اتحاد برای آذربایجان، قدرت قزقلی اف از جناح وحدت جبهه مردمی، حافظ قاجی اف از حزب مساوات معاصر و همچنین لاله شوکت گاجی یواکه از سوی گروه اتحاد ملی منصوب گردیده بود. کمیسیون مرکزی انتخابات از ثبت نام رسول قلی اف رهبر حزب دموکراتیک که رئیس پارلمان بوده است و همچنین ایاز مطلب اف رئیس جمهور سابق امتناع نمود.

احزاب مخالف جمهوری آذربایجان را می توان گروههای روشنفکری نامید که از نارضایتی مردم برای تحت فشار قرار دادن نظام قدرت استفاده می نمایند. مردم عادی بنظر می رسد که بیشتر از دیگران به مساوات و احزاب مستقل ملی گرایش داشته باشند. مساوات یک حزب کاملاً طرفدار ترکیه است که از واژه‌هایی از قبیل «پان ترکیسم»، «اسلام» و «پیشرفت» برای تشریح ایدئولوژی خود استفاده می کند. این حزب با سیاستمداران ترکیه ارتباطات نزدیکی دارد و سیاست «حمایت از مبارزه مسلمانان برای استقلال یکی از اولویتهای آن» بشمار می رود. توجیحات مورد نیاز شدید می باشند. همچنین شعار الله اکبر که بیشتر موجب ایجاد هراس می شود همواره در تمامی اقدامات اجتماعی اقتصادی جمهوری آذربایجان وجود دارد.

موضوع اصلی در این میان، بازتاب ژئوپلیتیک انتخابات ریاست جمهوری است که در قفقاز جنوبی طنین انداز گردیده است. هیچکدام از نامزدها آلترناتیوی برای حل مناقشه قره باغ که بصورت یکسان مورد پذیرش روسیه و غرب قرار بگیرد ارائه ننمودند. همه آنان به استفاده از زور تمایل داشتند.

تفاوتی باشکوه

پول و حمایت به تنهایی قادر نخواهد بود هر شخصی را به راس هرم قدرت برساند. برخی مردم تردید داشتند که نخست وزیر جدید منصوب شده بتواند سمت پدر را تصاحب کند. طبق نظرسنجی اجتماعی حقوقی، وی با کسب ۵۰٪ آراء از دیگران پیشی گرفت. مرکز مونیتورینگ «انتخابات شفاف» پاسخ به سوالات زیر را جمع آوری نمود: اگر نامزد شماره ۱ (حیدر علی اف) از انتخابات کناره گیری کند شما به چه کسی رأی می دهید؟ ۵۸٪ الهام علی اف را عنوان نمودند، ۲۲٪ عیسی قنبر (مساوات)، ۸/۳ درصد لاله شوکت (گروه اتحاد ملی)، ۷/۸ درصد اعتبار ممداف (حزب استقلال ملی، ۲ درصد صابر رستم خانلی (حزب همبستگی مدنی)، ۱/۵ درصد الیاس اسماعیل اف (حزب عدالت) و ۰/۴ درصد قدرت قزقلی اف (جناح اتحاد جبهه مردمی) را انتخاب نمودند. این نتایج موجب خوش بینی در اردوگاه علی اف گردید، با این وجود انتخابات تحت شرایط دوره جدید برگزار گردید. محیط اجتماعی - سیاسی، وضعیت اقتصادی، انتظارات اجتماعی و درخواستها متفاوت از سال ۲۰۰۳ بودند. بیماری درازمدت حیدر علی اف به بسیاری از رأی دهندگان اجازه داد تا نسبت به قبل احساس آزادی بیشتری کرده و بطور آشکار از مخالفین حمایت نمایند. مقامات و مخالفین به شدت در پی تغییر وضعیت به نفع خود بودند. رسول قلی اف رهبر حزب دموکراتیک آذربایجان که به امریکا مهاجرت نموده بود از مردم خواست که به عیسی قنبر رهبر مساوات که از سوی جناح آذربایجان ما معرفی شده بود رأی دهند، اگرچه گفته می شد که روابط میان آنان در گذشته همراه با تنش بوده است.

برخی نامزدها بطور کامل از رقابت کناره گیری نمودند. رئیس جمهور وقت در نامه‌ای که از طریق تلویزیون دولتی منتشر گردید به مردم تضمین داد که الهام علی اف بتواند آینده کشور را تضمین نماید و سپس وی به نفع پسر خود از انتخابات کناره گیری نمود. یونس علی اف نامزد اجماع ملی و ابوطالب صمد اف از اتحاد برای آذربایجان نیز به نفع پسر رئیس جمهور از رقابتهای انتخاباتی کناره گیری نمودند. علی کریم لی از جبهه مردمی به حمایت از یکی دیگر از رهبران مخالفین و همکار مردمی اش یعنی اعتبار ممداف رهبر حزب استقلال ملی نیز از گردونه رقابت خارج گردید. بنابراین فهرست نهائی شامل ۸ نفر گردید.^(۱۴) ولیکن الهام علی اف و عیسی قنبر رقبای اصلی بودند.

انتخابات برگزار گردید ولی.....

براساس آمار کمیسیون مرکزی انتخابات ۱،۸۶۰،۳۴۶ رأی دهنده از مجموع ۳،۲۰۰،۰۰۰ رأی دهندگان، به الهام علی اف رأی دادند (۷۶/۸۴ درصد از ۷۱/۲۳ درصد کل رأی دهندگان). همچنین عیسی قنبر (مساوات) ۱۳/۹۷ درصد آراء، لاله شوکت گاجیووا ۳/۶۲ درصد، اعتبار ممداف ۹۲/۲ درصد، قدرت قرنقلی اف ۰/۵ درصد، الیاس اسماعیل اف ۱ درصد، صابر رستم خانلی ۸۲/۰ درصد و حافظ گاجیووا ۰/۳۴ درصد آراء را کسب نمودند. رهبران مخالفین از پذیرش آمار نتایج امتناع نموده و دولت را به تقلب در نتایج انتخابات متهم نمودند. آنها ادعا می کردند که بنابر اطلاعات آژانسهای مستقل، عیسی قنبر به اکثریت نسبی آراء دست پیدا نموده (۴۶/۲ درصد) و الهام علی اف با اندکی بیشتر از ۲۴ درصد شکست خورده است. (۱۵)

عیسی قنبر خود نیز اظهار داشت: طبق گزارشات رسمی، اینجانب بین ۶۰ الی ۸۰ درصد آراء صندوق هایی را که ناظران بین المللی در آن حضور داشته اند را بدست آورده ام. مخالفین درخواست نمودند که آراء ماخوذه به طریقی عادلانه بازشماری شود. وضعیت فوق موجب اعتراضاتی در پایتخت گردید و صدها تظاهرکننده را به خیابانها کشاند که مورد ضرب و شتم پلیس و مسئولین نظم و قانون قرار گرفتند. طبق گزارشات رسمی، ۲ نفر در اسکیرمیشز کشته شدند. ناظر سازمان امنیت و همکاری اروپا اظهار داشت که دولت گویا جنگ را بر علیه مردم خود آغاز نموده است. وی همچنین افزود که تحولات مشابه این وضعیت، قبلا در قاره آفریقا از جمله در زیمبابوه، موزامبیک و کنگو مشاهده گردیده است. (۱۶)

ناظران بین المللی وجود تخلفات گسترده ای را در جریان رأی گیری اعلام نمودند، از جمله اینکه به رأی دهندگان رشوه پرداخت شده بود، حامیان مخالفین مورد ضرب و شتم قرار گرفته و دستگیر شده بودند و برگه های رأی گیری جعل گردیده بود. ولیکن غرب نیازمند آن بود که الهام علی اف در مصدر قدرت باشد و بنابراین سازمان امنیت و همکاری اروپا، در مجموع از نتایج انتخابات ابراز رضایت نمود، هرچند پیش بینی های اولیه آن سازمان مبنی بر انتقال آرام قدرت بی اساس گردید. بوضوح می توان دریافت که انجام تخلفات، نتایج دستکاری شده و ضرب

و ششم خیابانی که موجب به قدرت رسیدن علی اف پسر گردید دولت وی را حداقل برای بخشی از مردم غیرمشروع خواهد ساخت و اداره کشور برای وی مشکل خواهد بود. در روز ۳۱ اکتبر معارفه وی انجام و پسر رئیس جمهور، رئیس جمهور گردید.

منبع اداری قدرتمند حیدر علی اف، نقش برجسته‌ای را در پیروزی پسرش بازی نمود. اجازه بدهید تا انتخابات ریاست جمهوری را با انتخابات اخیر پارلمانی مقایسه نمائیم. کمیسیون مرکزی انتخابات که دو سوم اعضای آن متعلق به حزب آذربایجان نوین است به رئیس جمهور وفادار می‌باشد. این نهاد در ابتدا از ثبت نام برخی نهادهای مخالف (مساوات و حزب دموکراتیک آذربایجان) برای انتخابات پارلمانی خودداری نمود. دو هفته پس از آنکه حیدر علی اف درخواستی شخصی را ارائه نمود، این نهاد آهنگ خود را تغییر داد.

بایستی این نکته را به خاطر سپرد که علی اف پدر با برخی گروه‌های مردمی، خیلی مردمی رفتار می‌نمود. وی جنگ با ارمنستان را متوقف نمود و زمانیکه همسایگان جمهوری آذربایجان یعنی چچن و گرجستان ثبات نداشتند، ثبات سیاسی را بدست آورد. ثبات موجب جذب سرمایه‌گذاران خارجی در بخش نفت گردید که در نتیجه تاحدودی ارتقاء استاندارد زندگی را بدنبال خود داشت.

در مقابل، جبهه مخالفین اتحاد مورد نیاز خود را بطور قابل ملاحظه‌ای از دست داده و در آستانه انتخابات پارلمانی، جبهه مردمی یعنی بزرگترین سازمان به دو بخش تقسیم گردید. رهبران مذکور (میر محمود فتایف که کلاسیکها را رهبری می‌کرد و علی کریم‌لی که رهبر اصلاح طلبان بود) بیشتر از آنکه به رقابت انتخاباتی توجه کنند با یکدیگر کلنجار می‌رفتند. علی کریم‌لی سپس خواستار ایجاد وحدت گردید و اظهار داشت که یک نامزد از سوی اتحاد مخالفان از شانس بیشتری برای رقابت با رژیم حاکم برخوردار می‌باشد. تجربه نشان داده است که در بیشتر کشورها، بلند پروازی‌ها و اختلافات میان نهادهای مخالف بر عقل غالب گردیده است. بعنوان مهمترین موضوع، مخالفین آذربایجانی نه ایده‌ای جدید، نه برنامه‌ای نو و نه رهبرانی قوی داشتند. حملات به رژیم و انتقاد از علی اف ادامه پیدا نمود ولیکن پاسخ مربوطه یک اقدام

مؤثر بود: جلسات پارلمانی در سال ۱۹۹۳ از تلویزیون پخش گردید که در آنها اعضای مخالفین به شدت یکدیگر را به نابودی جبهه مردمی و تلاش برای جنگ داخلی متهم می نمودند.

مقامات برای بی اثر نمودن مخالفین، احزاب مخالف گروه خود را با اسامی مشابه و حتی با همان اعضا ایجاد می نمودند. ۲ حزب اسلامی، ۴ حزب دموکراتیک و ۵ حزب کمونیست در آذربایجان وجود دارند.^(۱۷) برای مردم عادی و حتی تحلیلگران سیاسی، تمایز و تفکیک میان این احزاب بسیار دشوار می باشد.

انتقال آرام قدرت از پدر به پسر بطور بالقوه امکان پذیر بود چرا که برخی مردم نگران آن بودند که بخاطر مخالفت با مواضع رسمی زندانی شوند. دیگران علاقه ای نداشتند که از حقوق خود بعلت ترس از تحقیر و یا حتی ضرب و شتم استفاده نمایند. همچنین ریسک هایی در خصوص متهم شدن به جاسوسی و وابستگی به تروریستهای اسلامی وجود داشت. گروهی از مردم دچار بی تفاوتی گردیدند درحالی که بخش وسیعی از آنها بیشتر از هر چیزی خواستار ایجاد ثبات بودند. الهام علی اف مورد حمایت ساختارهای دولتی قرار گرفت. آنان اختلافات معمولی خود را برای حفظ درآمدهای غیرقانونی گسترده خویش کنار گذاشتند. این افراد همچنین بشدت به تداوم قدرت خویش نیاز داشتند. انتخابات در جمهوری آذربایجان موجب تأیید نتیجه گیری برخی تحلیل گران گردید مبنی بر اینکه برای پیروزی در هر کشور، دموکراسی نیازمند استاندارد ویژه ای برای زندگی است تا به رای دهندگان اجازه دهد نگرانی همیشگی خود را به منظور تفکر در خصوص حقوق و آزادی های خویش کنار بگذارند.^(۱۸) نتایج انتخابات اخیر نشان داد که آذری ها به ثبات و امور کلیشه ای رأی داده اند. آیا این وضعیت دوام خواهد داشت؟

انتخاب الهام علی اف بعنوان رئیس جمهور خیلی ساده بود. دشوارتر آن است که وی بتواند در راس قدرت باقی بماند. هر اتفاق سوئی ممکن است تاثیرات منفی بر آینده بگذارد.

اولا ماهنوز تقریباً چیزی از ویژگی های سیاسی رئیس جمهور جدید نمی دانیم. تنها گذر زمان می تواند ماهیت شخصیتی او را که بر انتخاب دستیاران و مشاوران وی تاثیر می گذارد آشکار نماید. اگر وی ثابت کند که رهبری ضعیف است، کشور میان گروه های رقیب تکه تکه

خواهد شد. به عبارتی اگر طایفه وی نتوانند متحد شوند این امر محتمل خواهد بود. رسول قلی اف که یکی از ثروتمندترین افراد در جمهوری آذربایجان می‌باشد، در سال ۱۹۹۶ به ایالات متحده مهاجرت نموده است. وی بعنوان عضوی از طایفه نخجوانی‌ها قبلاً رئیس مجلس بوده است. پیشتر در زمان سالهای بی‌مهری علی اف، وی مورد حمایت مالی قرار گرفت. آیا علی اف پسر قادر خواهد بود تا طایفه خود را سازماندهی مجدد نماید؟ این موضوع ساده‌ای نیست. در آستانه انتخابات پارلمانی، موسی موسی‌یف عضو فراکسیون پارلمانی آذربایجان ما، همکاران خود را به انجام مذاکرات محرمانه با مخالفین متهم نمود. تانیاً آیا رهبر جدید قادر خواهد بود تا یک سیاست اقتصادی شفاف را ارائه نماید؟ بدون این امر، وی بسختی خواهد توانست پست جدید خود را حفظ نماید. او همچنین فاقد تجربه و مهارتهای پدر بعنوان یک آپاراتچیک می‌باشد.

آینده چگونه خواهد بود؟

بسیاری از مسائل قفقاز جنوبی، اقتصاد و سیاستهای خزر به تحولات باکو بستگی دارند. جمهوری آذربایجان، خود را در مرکز منافع ملی ۴ کشور بزرگ می‌بیند: روسیه، آمریکا، ترکیه و ایران. بدون تردید این کشورها برای اعمال نفوذ بر رئیس جمهور با یکدیگر برخورد خواهند نمود. مسکو علاقمند است تا نفوذ سیاسی سابق خود را مجدداً احیاء نماید، واشنگتن به صراحت خواستار کنترل منابع نفتی خزر گردیده و اعلام داشته است که منطقه مذکور ناحیه‌ای از منافع ملی آن کشور می‌باشد. ترکیه می‌تواند یک نقش برجسته‌ای را در مناقشه بازی کند. آنکارا بطور آشکار، عیسی قنبر را که از لحاظ مالی وی را تأمین می‌کند ترجیح می‌دهد. البته واضح است که دل مشغولی‌های همیشگی باکو و مسکو موجب افزایش حمایت‌های ترکیه از مخالفین ملی دموکراتها خواهد گردید. تهران بدنبال آن است که جمهوری آذربایجان را یک دولت شیعی ببیند و این در حالیست که سه رقیب عمده ریاست جمهوری به شدت از ایران فاصله می‌گیرند. هم روسیه و هم ایالات متحده، علی اف پسر را بعنوان قابل پذیرش‌ترین چهره ریاست

جمهوری در نظر گرفته‌اند. بنظر می‌رسد غرب که خواستار تبیین وضعیت سیاسی می‌باشد، انتقال قدرت را بعنوان کوتاهترین راه برای ثبات سیاسی در نظر گرفته است. البته کاملاً واضح بود که چنانچه نتایج انتخابات باطل اعلام می‌گردید، درگیری‌های خونین و تحولات غیر قابل پیش‌بینی را بدنبال خود ایجاد می‌نمود.

این نکته را نیز بایستی به خاطر سپرد که چند سال قبل، همه نامزدها (بغیر از مطلب اف) بعنوان حامیان غربی یاد می‌گردیدند. امروزه اکثریت نخبگان سیاسی محلی به سمت روسیه گرایش پیدا نموده‌اند درحالیکه تصورات خود از غرب را برای خود حفظ نموده‌اند. زمانیکه علی اف پدر حکومت می‌کرد این وضعیت کاملاً مشهود بود ولیکن زمانیکه الهام به سمت انتخابات ریاست جمهوری پیش می‌رفت، باکو تدریجاً به سمت مسکو نزدیکتر می‌گردید. این امر کاملاً در سفر ولادیمیر پوتین به باکو و اخراج جنگجویان چچنی از کشور، که قبلاً نیز وجود نداشتند مشهود بود. در جریان سفر رسمی علی اف به مسکو در تاریخ ۲۵ ژانویه سال ۲۰۰۲، سرانجام یکی از قدیمی‌ترین مشکلات فیما بین حل گردید. طرفین موافقتنامه‌ای در خصوص تنها تأسیسات نظامی روسیه در جمهوری آذربایجان یعنی ایستگاه راداری گابالا که برای ردیابی موشک‌های بالستیک پرتاب شونده از نیمکره جنوبی مورد استفاده قرار می‌گرفت را امضاء نمودند. روسیه ایستگاه مذکور و تجهیزات آن را برای ده سال آینده به مبلغ ۷ میلیون دلار در سال اجاره خواهد داد.

تحولات مذکور با موضوعات منتشره در روزنامه‌های عمده مسکو^(۱۹) که تصورات روسیه را در مورد سیاست‌های ضد روسی باکو تغییر می‌داد و تصویری مثبت از پدر و پسر در آستانه انتقال قدرت ایجاد می‌نمود، همراه گردید.

همکاری‌های اقتصادی و تجاری در حال افزایش بود، سطح مبادلات تجاری میان روسیه و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۳۷۶/۶ میلیون دلار یا ۱/۶ بیشتر از میزان ۲۰۰۱ گردید. حمل بار از طریق راه آهن در همان دوره با ۶۳٪ افزایش بالغ بر ۱۱۲۴۰۰۰ تن گردید و همچنین ارائه تولیدات کشاورزی ۴ برابر گردید. در مارس ۲۰۰۳، مسکو هزینه‌های

حمل میوه و تره بار از طریق کشتی و خطوط راه آهن روسیه از جمهوری آذربایجان را تا ۵۰٪ کاهش داد. (۲۰)

پس از اینکه علی اف پسر، رئیس جمهور گردید، بزودی مجبور شد موارد زیر را بپذیرد: اول اینکه کشورش کویت یا عربستان سعودی نبوده و هیچگاه نمی تواند از طریق درآمدهای نفتی توسعه یابد. دوم آنکه بی نهایت دشوار خواهد بود که یکسانی مناسبات جاری با ایالات متحده و ایران را حفظ نماید (این مورد حتی دشوارتر نیز می باشد که واشنگتن تلاش نماید تا از جمهوری آذربایجان بعنوان تکیه گاهی برای مبارزه علیه ایران استفاده نماید). همین مورد نیز شامل توازن میان مناسبات با آمریکا و روسیه در خصوص منافع متناقض آنها در منطقه خزر می گردد. بایستی به خاطر سپرد که از نظر تاریخی روسیه شریک تجاری طبیعی جمهوری آذربایجان می باشد. اکثر شرکتهای صنعتی آن کشور برای استفاده از مواد خام روسی طراحی شده اند. گروه عظیم آذری های مقیم روسیه که از خانواده های خود در جمهوری آذربایجان حمایت می نمایند نیز عامل مهم دیگری بشمار می آید. باکو و مسکو بطور اجتناب ناپذیری به یکدیگر نزدیکتر خواهند گردید.

بعید است که الهام علی اف بتواند اقتصاد نابود شده را بازسازی نماید، (امروزه بر روی ۲۰٪ اقتصاد سال ۱۹۹۰ حساب باز می شود) صدها شرکت ورشکسته را احیاء نماید، کشاورزی را توسعه دهد، اصلاحات مؤثر را اعمال نماید، مبارزه علیه فساد را اعلام نماید و نظارت کاملی بر کشور نظیر پدرش اعمال نماید.

در حالی که مبارزه برای اعمال نفوذ بر رئیس جمهور بدون تردید در حال تشدید است، تغییر و جابجایی گسترده نخبگان و مقامات هم بعید بنظر می رسد. انجام تغییرات در راس، ناگزیر موجب جابجائی هایی در سطوح پائین تر خواهد گردید. بنابراین برخی از اعضای تیم سابق خود را منزوی محسوب نموده و به مساوات ملحق خواهند گردید (احتمال آن از عدم آن بیشتر است) و بدین ترتیب فشار حزب بر رژیم افزایش خواهد یافت. همچنین مطلب اف و قلی اف که مدتها مجبور بودند در کنار یکدیگر باشند دیگر ناظران بی تفاوت باقی نخواهند ماند. این به

معنای آن است که انتقال قدرت از طریق پادشاهی، از بحران و برخوردهای سیاسی حاد در مبارزه قدرت در میان طوایف و احزاب جلوگیری نخواهد نمود.

جمهوری آذربایجان کره شمالی نیست، علیرغم آنکه آراء برای پسر به صندوق ریخته شده است ولیکن اینجاست که وی وفادار نمی‌باشد. شبیه هر رهبر دیگر پس از شوروی، علی‌اف پسر نماینده منافع اقلیت بسیار ثروتمندی است که مخالف اکثریت ضعیف می‌باشد. مخالفین متعلق به بخشی از قدرت نبوده (همانگونه در روسیه، اوکراین و تاجیکستان وجود دارد) و ارتش از شکست در قره‌باغ ناراضی می‌باشد. در عین حال در میان نومنکلاتورا بسیار کسانی هستند که از طایفه علی‌اف و دست پرورده‌های نخجوانی رهبر طایفه متنفر می‌باشند. این امر منجر به یک دوره‌ای از تنش سیاسی خواهد شد که تنها یک ایده وحدت بخش قادر خواهد بود تا باقی بماند. موضوع قره‌باغ بعنوان یک شرمساری ملی می‌تواند این نقش را بازی کند. این امر همچنین می‌تواند با بروز جنگ و از دست دادن کنترل، شکننده گردد. باکو هنوز آمادگی آغاز جنگ و انجام حمله‌ای موفقیت آمیز را ندارد. راسیم موسی بیک اف پژوهشگر سیاسی بر این عقیده است که تنها حیدر علی‌اف می‌توانست یک وضعیت نه جنگ و نه صلح را در مدت زمان ده سال حفظ نماید. هیچکس دیگری و حتی هیچکس از تیم وی اگرچه به ریاست جمهوری نیز برسد نخواهد توانست این وضعیت منجمد را بیشتر از این نگاه دارد. بی تردید باکو به جنگ جدیدی در قره‌باغ نیاز ندارد. این جنگ ممکن است موجب تضعیف قدرت الهام و برکناری طایفه نخجوانی‌ها شود که به نوبه خود تقسیم مجدد اموال و دارائی‌ها و تحولات مشابه اوایل دهه ۱۹۹۰ را بدنبال خود خواهد داشت. البته امکان یک جنگ داخلی گسترده بسیار بعید است. گروه‌های اسلامی مخالف از حمایت‌های کافی در داخل و خارج از کشور برخوردار نمی‌باشند.

یادداشت‌ها

۱. گزارش دوره گذر، نوامبر ۲۰۰۱، EBRD، لندن، ۲۰۰۱، ص ۳۶.
۲. ای. ممدوف، «تغییرات اقتصادی در آذربایجان: در جستجوی استراتژی و چشم‌انداز، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱ (۷)، ۲۰۰۰، ص ۱۱۰.
۳. ر. موسی بکف، «فساد در آذربایجان»، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱ (۷)، ۲۰۰۰.
۴. سایت اینترنتی <http://www.transparency.de/documents>.
۵. آ. راسی‌زاده، «آذربایجان پس از دهه اول سرمایه‌داری»، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳ (۲۱)، ۲۰۰۳، ص ۱۰۰.
۶. ارزیابی‌های اجتماعی برای زندگی بهتر، مطالعات موردی آلبانی، آذربایجان و مولداوی، بانک جهانی، واشنگتن، ۲۰۰۲، ص ۳۶.
۷. آ. راسی‌زاده، پیشین.
۸. EKHO (باکو)، ۲۸ سپتامبر، ۲۰۰۱.
۹. آ. راسی‌زاده، پیشین.
۱۰. نزایسیمایاگازتا، ۱ دسامبر ۱۹۹۹.
۱۱. پیشین، ۱ آوریل، ۲۰۰۳.
۱۲. اس. اسمیرنف، «نقاط ضعف سیاست تفتی آذربایجان»، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵ (۱۷)، ۲۰۰۲، ص ۱۴۷.
۱۳. باکینسکی رابوچی، ۸ آگوست، ۲۰۰۳.
۱۴. اخبار تجاری کاسپین، ۶ اکتبر، ۲۰۰۳.
۱۵. اکونومیکا. فاینانسی، روپکی، ۲۴ اکتبر ۲۰۰۳.
۱۶. منبع پیشین.
۱۷. آ. راسی‌زاده، پیشین، ص ۱۰۳.
۱۸. آزت، ۲۲ اکتبر، ۲۰۰۳.
۱۹. ایزوستیا، ۲۰ آگوست، ۲۰۰۳.
۲۰. اینتگراسیا، شماره ۶-۵ (۳۸)، ۲۰۰۳، ص ۷.